

مجلس ششم؛ در کمیسیون اصل نود چه گذشت؟ (۱)

گفت و گو با حسین انصاری راد



می شوند که مردم آنها را انتخاب کرده و به آنها رأی داده باشند. پیش از این انتخاب و رأی مردم، هیچ عنوان و مقام و شخصی که بتواند اعمال حکومت کند و یا اراده قانونی بر مردم داشته باشد، وجود ندارد. طبیعتاً در ماهیت و ذات این انتخاب، کلیه شرایط انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان را به مقتضای این اصل، خود مردم باید تعیین کنند. هیچ کسی، بدون استثنا، نمی تواند برای انتخاب مردم، شرطی تعیین کند بدون این که مردم آن را پذیرفته و مورد تأیید قرار داده باشند. قطعاً همان طور که اصل انتخاب به طور دقیق وابسته به مردم است، شرایط انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان و کیفیت انتخابات هم وابسته به مقتضای همین برهان عقلی، به اراده و خواست مردم است. بنابراین هر حرکتی که برخلاف اراده مردم در شأن انتخابات و شرایط انتخابات، اعمال حکم و قراری کند، اساساً وجود ندارد مگر این که خود مردم آن قرار و شرط را بپذیرند و لحاظ کنند و بر آن صحه گذارند. به همین دلیل مجلس شورای اسلامی، مهم ترین پایگاه به لحاظ انتخاب و رأی مردم است؛ برای نمونه رئیس جمهور، گرچه با انتخاب مستقیم مردم تعیین می شود، در عین حال تمام طبقات و لایه های اجتماع نمی توانند شناخت دقیق و بی واسطه ای از او پیدا کنند. مقام رهبری هم چنین وضعیتی دارد و طبیعتاً انتخاب مردم با واسطه است و انتخاب مستقیم و بی واسطه و نزدیک و شناخت کامل و دقیق برای همه لایه های اجتماعی نسبت به او مشکل و تا حدی غیر ممکن است. اما از نظر قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی؛ از هر ۱۵۰۰۰۰ نفر در سراسر کشور یک نفر انتخاب می شود و این انتخاب به طور مستقیم با مردم ارتباط دارد. آحاد ملت از نزدیک، منتخب و برگزیده

جناب عالی به مدت چهار سال در ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، نماینده مردم و از اعضای کمیسیون اصل ۹۰ بودید و توسط اعضای این کمیسیون به ریاست آن انتخاب شدید. حال چند پرسش پیرامون مجلس و عملکرد کمیسیون مطرح می شود؛ نخست این که جایگاه مجلس شورای اسلامی در قانون اساسی چیست؟ دوم؛ جایگاه کمیسیون اصل نود در راستای وظایف مجلس کجاست؟ و پرسش سوم؛ عملکرد کمیسیون در دوره ششم قانونگذاری چه بوده و ارتباط آن با تحقق قانون و مواد قانونی چگونه بوده است؟

در رابطه با پرسش نخست شما پیرامون جایگاه مجلس در قانون اساسی باید بگویم بی تردید اساسی ترین رکن جمهوری اسلامی که در قانون اساسی هم به تفصیل آمده، "مجلس شورای اسلامی" است. علت آن هم این است که اساساً حاکمیت در قانون اساسی با صراحت در اصل ۵۶^۱ از آن مردم است و پیش از رأی مردم و بدون آن، هیچ مقام رسمی و یا رسمیت و قانونیتی برای هیچ امری حسب قانون اساسی وجود ندارد؛ یعنی اگر از رأی مردم صرف نظر کنیم هیچ چیز حسب صریح قانون اساسی نخواهیم داشت. رسمیت و مشروعیت و قانونیت اصل نظام جمهوری اسلامی با رأی مردم مشخص می شود و مقامات جمهوری اسلامی هم بدون استثنا، هنگامی رسمیت یافته و قانونی می شوند و وجود اعتباری پیدا می کنند که مردم به آنها رأی دهند؛ از مقام رهبری و مجلس خبرگان و رئیس جمهور گرفته تا مجلس شورای اسلامی و اصل نظام جمهوری اسلامی. بنابراین تمام این عناوین و مقامات رسمی که وجودی اعتباری هم هستند، هنگامی تحقق می یابند و رسمی و قانونی

خود را می‌شناسد و مردم مطابق شناخت مستقیم و صحیح و داشتن اطلاعات کاملی که در یک رقابت انتخاباتی به طور کامل انجام می‌گیرد، نماینده خود را انتخاب می‌کنند. مجلس شورای اسلامی به حق بازگوکننده اراده کامل ملت در تمام لایه‌های اجتماعی می‌باشد، مشروط بر این‌که انتخابات به صورت آزاد انجام گیرد، یعنی همان‌طور که اصل انتخاب به وسیله مردم است شرایط انتخاب را هم مردم تعیین کنند. اختیاراتی هم که به مجلس شورای اسلامی واگذار شده بسیار گسترده است. مهم‌ترین آن وظایف و اختیارات، قانونگذاری است که اساس و چارچوب اداره یک کشور بوده و مهم‌ترین مسئله برای یک مملکت به شمار می‌رود که حق مجلس شورای اسلامی است. هیچ مقام و نهادی در نظام جمهوری اسلامی دز برابر مجلس شورای اسلامی، حق قانونگذاری ندارد. حتی حق قانونگذاری در قانون اساسی به رهبری هم داده نشده و رهبری تنها حق نظارت بر کلیت قانونگذاری دارد. شورای نگهبان هم فقط می‌تواند بررسی کند که قانون مصوب مجلس شورای اسلامی

برخلاف قانون اساسی و شرع نباشد. حق نظارت بر قانون نیز از طرق مختلف در اختیار مجلس شورای اسلامی است. تأیید و تصویب افراد شامل کابینه و هیئت اجرایی رئیس جمهور و وزرا وابسته به مجلس شورای اسلامی است. پس از این‌که مجلس وزرا را تأیید کرد و هیئت وزیران تشکیل شد، حق نظارت دقیق بر عملکرد وزرا، حق پرسش و انتقاد و تفحص در جمیع امور کشور و استیضاح و عزل وزرا و حتی رئیس جمهور، را نیز دارد.

شان کمیسیون اصل نود نیز به طور دقیق، رسیدگی به شکایاتی است که از قوای سه‌گانه به مجلس شورای اسلامی می‌رسد. هر شکایتی از قوه مجریه و قضاییه و حتی خود قوه مقننه، می‌تواند به مجلس شورای اسلامی ارجاع گردد. مجلس موظف است به شکایت از قوای سه‌گانه رسیدگی کند و پس از رسیدگی، که لازمه آن تحقیق، بررسی، گفت‌وگو و مکاتبه و دعوت از مسئولان به کمیسیون است، کمیسیون اصل نود به نمایندگی از مجلس اعلام نظر می‌کند؛ این امر از شئون مجلس و منتخبان ملت است و به نظر می‌رسد بسیار مهم و اساسی است. پرسش؛ حق ملت است و این‌که هر شکایتی از دستگاه قضایی یا قوه مجریه و قوه مقننه در همه سطوح دارند به مجلس ارجاع دهند. کمیسیون اصل نود به نمایندگی از مجلس، موظف به رسیدگی به شکایات مردم است.

مجلس شورای اسلامی
موظف به رسیدگی به شکایات مردم است.

در آخرین مرحله هم باید اعلام تخلف و یا عدم تخلف کند و آن را به دادگاه قضایی ارجاع دهد تا حکم نهایی براساس نظر کمیسیون، درباره شکایت صادر شود. اگر شکایتی از قوه قضاییه و قوه مجریه و حتی از رئیس جمهور باشد و نیز از قوه مقننه، به آنها رسیدگی می‌کند و این مسئله با استقلال قوا تعارضی ندارد. زیرا مراد از استقلال، این است که هیچ قوه‌ای نمی‌تواند در حیطه اداره دیگری دستور قانونی قابل اجرا داشته باشد، اما نظارت قوه‌ای بر قوه دیگر، چنان‌که قوه قضاییه بر حسن اجرای قانون، نظارت دارد در قانون اساسی منافی با استقلال قوا شناخته نشده است. نظارت مجلس و رسیدگی به شکایت از قوای ثلاثه به کمیسیون اصل ۹۰ نیز امری غیر از دستور قانونی قابل اجراست و در عین حال مصرح در قانون اساسی است و مانند نظارت قوه قضاییه و فوق آن می‌باشد.

مراحل رسیدگی به شکایات چگونه است؟ آیا کمیسیون به هیئت رئیسه مجلس گزارش می‌دهد یا به کل نمایندگان و یا به همه

مردم؟ آیا رسیدگی به شکایت، جنبه اجرایی هم پیدا می‌کند و گزارش کمیسیون می‌تواند در صدور حکم و روند آن دخالت داشته باشد؟ شکایت به دبیرخانه کمیسیون وارد می‌شود، کمیسیون دارای کمیته‌های مختلفی شامل کمیته قضایی، سیاسی، نظامی و مقننه، فرهنگی، رفاهی، اجتماعی و کمیته اقتصادی، فنی و عمرانی می‌باشد که از اعضای کمیسیون اصل نود تشکیل می‌شود. مسئله ابتدا در کمیته‌ها بررسی می‌شود، سپس در کمیسیون مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و اگر تخلفی از یک مقام اجرایی یا قضایی احراز شود و به تصویب کمیسیون برسد، دو حالت پیدا می‌کند. اگر مسئله عمومی باشد، همان‌طور که در صریح اصل نود قانون اساسی هم وجود دارد، باید از تریبون عمومی مجلس به عموم ملت گزارش شود. در هر حال علاوه بر گزارش، شکایت و اعلام تخلف به دادگاه خاصی ارجاع می‌شود و آن دادگاه موظف است بدون نوبت به این تخلف رسیدگی کرده و حکم صادر کند.

مصادیق عمومی بودن شکایت چیست؟

یعنی شان عمومی داشته باشد، همانند جرایم سیاسی، مطبوعاتی یا تخلفاتی و در زمینه‌های اقتصادی و سوءاستفاده از خزانه مملکت و یا تخلفات فرهنگی و اجتماعی که به جامعه و حق عمومی مربوط باشد البته روشن‌ترین مصداق آن، جرایم سیاسی و مطبوعاتی است که جنبه عمومی دارد، به

هر حرکتی که برخلاف اراده مردم در شأن انتخابات و شرایط انتخابات، اعمال حکم و قراری کند، اساساً وجود ندارد مگر این‌که خود مردم آن قرار و شرط را بپذیرند و لحاظ کنند و بر آن صحنه گذارند

مجلس شورای اسلامی به حق بازگوکننده اراده کامل ملت در تمام لایه‌های اجتماعی می‌باشد، مشروط بر این‌که انتخابات به صورت آزاد انجام گیرد، یعنی همان‌طور که اصل انتخاب به وسیله مردم است شرایط انتخاب را هم مردم تعیین کنند

هیچ مقام و نهادی در نظام جمهوری اسلامی در برابر مجلس شورای اسلامی، حق قانونگذاری ندارد. حتی حق قانونگذاری در قانون اساسی به رهبری هم داده نشده و رهبری تنها حق نظارت بر کلیت قانونگذاری دارد.

شورای نگهبان هم فقط می‌تواند بررسی کند که قانون مصوب مجلس شورای اسلامی برخلاف قانون اساسی و شرع نباشد



و حتی سوال و استیضاح وزرا و رئیس جمهور و عزل آنان و حق اظهار نظر در جمیع امور کشور اعمال می گردد و در عین حال در کنار همه اینها، اصل نود قانون اساسی است که تصریح می کند؛ "هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد می تواند شکایت خود را کتبا به مجلس عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه یا قوه قضاییه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند."

نحوه اجرای اصل ۹۰، طبق قانون مصوب مجلس چنین است: کمیسیون می تواند با تمام وزارت خانه ها و زیر مجموعه آنها و تمام نهاد های انقلاب و زیر مجموعه آنها، مکاتبه و یا مراجعه کند و آنها مکلف اند در اسرع وقت جواب کافی بدهند و مسئولان مربوطه مکلف اند پاسخ مستند خود را حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ وصول کتبا به کمیسیون اصل ۹۰ اعلام دارند. تخلف از این قانون، جرم و متخلف به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال و انفصال از خدمات دولتی از شش

همین دلیل در قانون اساسی آمده است که رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی باید علنی و با حضور هیئت منصفه انجام بگیرد.

ممکن است پیرامون جایگاه کمیسیون اصل نود در مجلس توضیح دهید؟

مجلس موظف است به شکایت از قوای سه گانه رسیدگی کند و پس از رسیدگی، که لازمه آن تحقیق، بررسی، گفت و گو و مکاتبه و دعوت از مسئولان به کمیسیون است، کمیسیون اصل نود به نمایندگی از مجلس اعلام نظر می کند؛ این امر از شئون مجلس و منتخبان ملت است و به نظر می رسد بسیار مهم و اساسی است



در مجموع به خاطر ندارم که در آن دوران، پرونده ای را مغایر با امنیت کشور تلقی کرده و آن را محرمانه رسیدگی کرده باشیم

برای پاسخ به این سوال باید عرض کنم در قانون اساسی غیر از نظارت رهبری بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام، برای اطمینان از اجرای قانون و حفظ مصالح ملت و کشور، نظارت های متعدد و از ناحیه قوای ثلاثه در طول هم و گاه در عرض هم مقرر گردیده است. نخست، نظارت رئیس جمهور بر اجرای قانون اساسی است که لازمه ضروری مسئولیت اجرای قانون اساسی به وسیله رئیس جمهور است. گرچه برای این نظارت، ابزار و آیین نامه شخصی در قانون پیش بینی نشده است.

دوم، نظارت قوه قضاییه بر حسن اجرای قانون اساسی است که سازمان بازرسی کل کشور با آیین نامه و مقررات و دیوان عدالت اداری نیز با تشکیلات و آیین مقررات برای آن، تعیین شده است.

سوم، نظارت مجلس بر اجرای قانون و اداره درست کشور است که وسیله نمایندگان با حق تحقیق و تفحص در جمیع امور کشور

ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. این گونه جرایم به صورت فوق العاده و خارج از نوبت در مراجع صالحه قضایی، رسیدگی می شود.

چنان که ملاحظه می کنید کمیسیون اصل ۹۰، جایگاهی بسیار مهم و درجه اول در رسیدگی به شکایت از قوای ثلاثه دارد و از اختیاراتی برخوردار است که هیچ مقامی از قوای ثلاثه نمی تواند در برابر آن بایستد و از پاسخ به مکاتبات و توضیح و اجابت دعوت آن سر باز زند. اما در مورد کمیسیون اصل ۹۰ مجلس ششم چنان که می دانید در آغاز شروع به کار مجلس ششم، طرح حذف کمیسیون اصل ۹۰ در مجلس مورد بحث قرار گرفت و تصویب نشد و برای تشکیل آن در حد نصاب به خاطر عدم وجود داوطلب یا مشکل رو به رو بود. اما طولی نکشید که کمیسیون اصل ۹۰ یکی از مهم ترین کمیسیون های مجلس شناخته شد و نقشی موثر و به یاد ماندنی در دفاع از حقوق مردم و پناهمگامی مورد اعتماد برای متظلمین شد و این موارد قابل انکار نیست و مشهود است در عین حال نکاتی قابل ذکر در نحوه اداره کمیسیون در مجلس ششم وجود دارد که عرض می کنم:

۱- اهتمام جدی و توأم با احترام به تمام مراجعان و شکات بدون هیچ تبعیضی بین عالی ترین مقامات با پایین ترین طبقات اجتماعی بین راست و چپ و بین صاحبان عقاید از مسلمان و غیر مسلمان در کمیسیون پرونده شکایت از رئیس جمهور وقت و هیئت رئیسه مجلس وجود دارد که هر کس آن را ملاحظه کند بی تردید بی طرفی و عادلانه رسیدگی کردن آنها را خواهد پذیرفت. این در حالی است که اکثریت اعضای کمیسیون از دوستان رئیس جمهور بوده اند و چندین نفر از اعضای هیئت رئیسه در کمیسیون حضور داشته اند.

۲- مدیریت کمیسیون از آغاز کار از کارشناسان و وکلای دادگستری دعوت کرد و رسماً برخی از آنها را به کار گرفت و تمام پرونده ها و گزارش های مربوط به وسیله کارشناسان رسمی حقوق و قانون، رسیدگی و آماده شد و امروز نیز مسئولیت حقوقی و قانونی کل پرونده ها را می پذیرد و تلاش بسیار انجام گرفت تا کمیسیون از نظر حقوقی و قانونی توان کافی پیدا کند و از حداکثر کارشناسی بهره مند باشد و به همین دلیل بسیاری از وکلای دادگستری معروف با کمیسیون همکاری می کردند.

۳- تمام جلسات رسمی کمیسیون و حتی جلسات غیر رسمی که ارزش سیاسی و یا حقوقی و قانونی داشته، صدای آنها ضبط گردیده و پیاده شده و برخی پرونده های مهم و حساس، تنظیم و ویراستاری شده و تمام کسانی که در جلسات رسمی و غیر رسمی کمیسیون حرف زده اند، صدایشان محفوظ است و هر کس بخواهد بداند ظرف حدود چهار سال کمیسیون چگونه عمل کرده است و بر چه اساس گزارش داده با اجازه مسئولان مربوطه و صلاح دید آنها می تواند تمام پرونده

کمیسیون اصل ۹۰ مجلس ششم را بدون کم و کاست ملاحظه و رسیدگی کند و درباره ارزش علمی کار و مسئولیت پذیری آن قضاوت نماید و چون کمیسیون هیچ امری برای مخفی کردن نداشت، کمیته محرمانه و پرونده محرمانه نیز نداشت.

این گزارش ها و نوارها محرمانه است یا می تواند در دسترس عموم و استفاده آنها قرار بگیرد؟

این مسئله مربوط به مسئولان امروز مجلس شورای اسلامی و بخصوص در اختیار رئیس کمیسیون اصل ۹۰ می باشد. اما در مجلس ششم که مسئولیت کمیسیون به عهده بنده و ریاست مجلس به عهده آقای کروی بود، هیچ پرونده ای را محرمانه تلقی نکرده و اگر وکیل یا صاحب پرونده ای تقاضای خواندن پرونده ای را می کرد در اختیارش قرار می گرفت.

آیا در اصل ۹۰ قید نشده که بعضی از مسائل و شکایات باید محرمانه باشد؟

البته ممکن است پرونده ای ذاتاً به امنیت کشور و ملت مربوط باشد و یا ممکن است حاوی مطلبی باشد که به لحاظ شرعی و اخلاقی علنی کردنش مجاز نباشد که در این گونه موارد طبعاً رعایت امنیت شده است. اما در مجموع به خاطر ندارم که در آن دوران، پرونده ای را مغایر با امنیت کشور تلقی کرده و آن را محرمانه رسیدگی کرده باشیم در نهایت ممکن است که آن مطلب را علنی نگفته باشیم.

آیا احضار نمایندگان مجلس شورای اسلامی توسط برخی جناح های قوه قضاییه به حق و قانونی بود یا در واکنش به اقدامات کمیسیون اصل ۹۰ صورت گرفت؟

حقیقت این است که احضار نمایندگان و محاکمه و در موردی بازداشت نماینده ناشی از اختلاف دیدگاه سیاسی و اداری کشور بین اصلاح طلبان و جناح مقابل بود و مبنای این احضارها و محاکمه و احکام، بیشتر نطق های قبل از دستور و مصاحبه نمایندگان اصلاح طلب بود. در حالی که طبق اصل ۸۴^(۱)، هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید و

اهتمام جدی و توأم با احترام به تمام

مراجعان و شکات بدون هیچ

تبعیضی بین عالی ترین مقامات با

پایین ترین طبقات اجتماعی بین

راست و چپ و بین صاحبان عقاید از

مسلمان و غیر مسلمان در کمیسیون

پرونده شکایت از رئیس جمهور

وقت و هیئت رئیسه مجلس وجود

دارد که هر کس آن را ملاحظه کند

بی تردید بی طرفی و عادلانه

رسیدگی کردن آنها را

خواهد پذیرفت

طبق اصل ۸۶^(۲)، نمایندگان در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند تعقیب یا توقیف کرد. بنابراین با توجه به دو اصل مذکور، احضارها و محاکمات و بازداشت نمایندگان در حدی که بنده به یاد دارم منطبق بر قانون نبود. اما مسئول کمیسیون اصل ۹۰ و اعضای آن در رابطه با انجام وظایفی که در کمیسیون داشتند احضار به ای برای آنان نیامد.

آیا تا به حال هیچ یک از اعضای سابق کمیسیون اصل ۹۰ از شما شکایتی کرده است؟

تا آنجا که بنده اطلاعی دارم شکایتی در این مورد وجود ندارد. این اختلافات در نهایت به کجا رسید؟ آیا در کمیسیون، این بحث مطرح بود که قوه قضاییه می تواند نماینده را به دلیل نطق یا اظهار نظراتی که در مجلس می کند، احضار نماید؟

این موضوع با کل مجلس و اصلاح طلبان و جناح مقابل ارتباط داشت و بسیاری از نمایندگان در نطق های قبل از دستور و مصاحبه ها، آن را مورد بررسی قرار داده و با استناد به اصل ۸۴ و ۸۶ برخورد قوه قضاییه را مورد انتقاد قرار می دادند اما در کمیسیون، به صورت خاصی به یاد ندارم که در این مورد پرونده های تشکیل شده باشد.

اگر اظهار نظر یا نطق نماینده به غیر از مسائل عمومی کشور، اهانت به اشخاص تلقی گردد چه باید کرد؟

حقیقت این است که اهانت به اشخاص جرم محسوب می گردد. اما موارد اختلاف مجلس و قوه قضاییه و احضار به های مربوط تا آنجا که در ذهن بنده هست به این مورد ارتباط نداشت و بیشتر نقد نمایندگان از عملکرد قوه قضاییه و نظیر آن بود.

اما در عین حال منع تعقیب و توقیف نمایندگان به خاطر اظهار نظر، اطلاق دارد و این موضوع یعنی مصونیت نمایندگان در قانون مشروطه و قبل از انقلاب نیز وجود داشته و در تمام کشورهای دموکرات، نمایندگان مصونیت دارند، حتی اگر اهانت انجام دهند. فلسفه این قانون نیز این است که نمایندگان که در حقیقت زبان مردم هستند در برابر قدرت حاکم بدون هراس و با اطمینان بتوانند به نقد و اعتراض بپردازند و قدرت حاکم نتواند به هیچ بهانه ای دهان آنان را ببندد و در شئون کشور تصرف نماید. این قانون گرچه در مواردی می تواند موجب تخلفاتی بشود، اما اصل مصالح کشور - به وسیله مجالس با قدرت و نمایندگان مصون از تعرض - محفوظ و مصون خواهد ماند و مصلحت بر آن مضار جزئی آن خواهد چربید. به علاوه اهانت قابل پاسخگویی است و در فضای آزاد نماینده متخلف و هتاک نمی تواند به آسانی دست به

چنین اقدامی بزند و در هر حال فضای باز جامعه اعتبار سخن ناصواب او را مشخص خواهد کرد و اعتبار چنین نماینده ای در افکار عمومی تخریب خواهد شد.

امام خمینی در نامه ای نوشتند که به هر کس که در مجلس توهینی می شود آن فرد نه تنها حق پاسخگویی دارد بلکه جوابیه باید در مجلس خوانده شود آیا به این مسئله عمل شده است؟

در حال حاضر همین طور عمل می شود و این جزء آیین نامه مجلس است که اگر به کسی در جلسه علنی نسبت ناروا داده و یا هتک حرمت شود، فرد مزبور می تواند در دفاع از خود به صورت مکتوب به اتهام

وارد پاسخ گوید و پاسخ ارسالی اگر متضمن توهین و افترا نباشد در اولین فرصت در جلسه علنی قرائت می شود.

اگر چنین راهکاری وجود دارد با چه دلیلی قوه قضاییه نمایندگان را احضار می کرد؟

چنانچه عرض شد، مسئله، تعارض بین دو جناح بود و گرنه حداقل در اکثریت قاطع موارد، موضوع توهین و افترا نبود و در مواردی نفس نقد و اعتراض به عملکرد، توهین تلقی می شد.

یعنی از دیدگاه شما، محتوای آن برخوردها، قضایی نبود؟ مطلب به نظر اینجانب همین طور است و اگر اختلافات اساسی در دیدگاه بین اصلاح طلبان و جناح مقابل وجود نمی داشت چنین احضار به هایی نیز پدید نمی آمد.

ویژگی های دیگر کمیسیون چه بود؟

کمیسیون ضمن گزارش های صریح و کم سابقه و دفاع از حقوق شهروندان در عرصه عمومی و تربیون مجلس و مکاتبات فراوان و مکرر در پی گیری در عرصه مطبوعاتی نیز بسیار فعال و صریح و روشن از مواضع قانونی و حقوقی خود دفاع می کرد و بدین صورت بود که توانست واقعاً اعتماد عمومی را در فهم درست مسائل و بی غرضی و صلابت در حفظ مصالح کشور و شهروندان جلب نماید.

مصداقی که روی آن کار کردید دارای چه بخش های مهمی بود؟

چنانچه عرض شد هیچ شکایتی و از طرف هیچ کس کم اهمیت تلقی نمی شد، واقعاً تلاشی سخت و استوار وجود داشت که به تمام شکایات کوچک و بزرگ اهتمام جدی مبذول گردد و احدی گمان نکند که شکایت او مورد غفلت و سهل انگاری قرار گرفته است. اما در عین حال شکایاتی که جنبه حقوق عمومی داشت بیشتر وقت می گرفت و صدای بیشتری داشت و انعکاس بیشتری می یافت. در کمیسیون، گزارش های علنی آن در دفاع از حقوق اصحاب مطبوعات و فعالان سیاسی و پرونده های مربوط به این دو گروه انعکاس بیشتر داشت و در برابر آن مقاومت شدید بود و طبیعتاً نیروی بیشتر و شهامت افزون تری را طلب می کرد.

در عین حال ما پرونده شرکت ایران مارین سرویس را داشتیم که در تمام چهار سال، کمیسیون درگیر آن بود و گزارش آن پرونده حدود دوهزار صفحه ای آن می تواند ارزش علمی و حقوقی و تلاش سخت کمیسیون را نشان دهد.

آیا کمیسیون در روند تحقیق و احضار و بیان نظرات با موانعی روبه رو بود؟ برای نمونه باید گزارشی از یک پرونده در جلسه علنی خوانده می شد ولی با مخالفت هایی از سوی اعضای کمیسیون یا هیئت رئیسه و یا نمایندگان دیگر روبه رو می شد. این که کمیسیون در روند تحقیق و

کمیسیون ضمن گزارش های صریح و کم سابقه و دفاع از حقوق شهروندان در عرصه عمومی و تربیون مجلس و مکاتبات فراوان و مکرر در پی گیری در عرصه مطبوعاتی نیز بسیار فعال و صریح و روشن از مواضع قانونی و حقوقی خود دفاع می کرد و بدین صورت بود که توانست واقعاً اعتماد عمومی را در فهم درست مسائل و بی غرضی و صلابت در حفظ مصالح کشور و شهروندان جلب نماید

